

تحلیل عوامل بی‌عدالتی کیفری در جرایم مواد مخدر

جمشید غلاملو*

چکیده

نظام عدالت کیفری به وسیله نهادهای خود برای کنترل جرم، متهمان را شناسایی و با گردآوری ادله و برگزاری محاکمه، مرتکبان را محکوم می‌کند. اصولاً مفروض است که محکومان، مرتکبان واقعی هستند. اما این فرض، مطلق نیست. برخی محکومان به‌رغم بی‌گناهی به خطا محکوم می‌شوند. بخش عمده‌ای از علت بازداشت و محکومیت بی‌گناهان به خطاهای متعدد و متوالی کنش‌گران پلیسی و قضایی (دادستان، پلیس، بازپرس و قاضی) مربوط می‌شود. ویژگی‌های اثباتی جرایم مواد مخدر -چه در قانون و چه در عمل- به گونه‌ای است که امکان ارتکاب خطا و در نهایت محکومیت فرد بی‌گناه در آنها بیش از جرایم دیگر است. در این پژوهش کیفی، با روش نمونه‌پژوهی (۲۹ نمونه) عوامل غالبی که موجب بی‌عدالتی کیفری (محکومیت و بازداشت بی‌گناهان) در جرایم مواد مخدر می‌شوند، تحلیل شدند که حسب یافته‌های پژوهش دلیل اثباتی اصلی و مبنای تشکیل پرونده کیفری در جرایم مواد مخدر، یافت شدن مواد در تصرف فرد است. در نتیجه، چنانچه مواد در تصرف فردی کشف شود، اثبات بی‌گناهی بسیار دشوار خواهد بود. اهمیت بررسی محکومیت بی‌گناهان در جرایم مواد مخدر از آن روی افزون‌تر است که تعداد بسیار قابل توجهی از کیفرهای اعدام، در این دسته از جرایم تعیین و اجرا می‌شوند. حتی اگر احکام محکومیت مرتکبان مواد مخدر را دست کم عاری از خطا ندانیم و امکان محکومیت افراد بی‌گناه را حتی به تعداد کم به رسمیت بشناسیم، مبنای توجیهی کیفر اعدام در این جرایم سست‌تر از همیشه می‌شود. سلب حیات یک بی‌گناه در جرایمی که حتی با الزام شرعی برای مجازات و نوع معین آن (اعدام) روبرو نیست، بیش از پیش مشروعیت این کیفر را

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران Jamshid.gholamloo@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۲۰

مخدوش می‌سازد. یکی از نتایج و الزامات اصلی وجود آسیب محکومیت بی‌گناهان در نظام عدالت کیفری، لغو کیفرهای جبران‌ناپذیری مانند اعدام است.

کلیدواژه‌ها: جرایم مواد مخدر، ادله اثبات، کیفر اعدام، محکومیت بی‌گناهان، اتهام‌انگاری نادرست.

Archive of SID

خطا اگرچه امری است ناخوشایند، جزیی از عملکرد انسان است. وقتی در زندگی روزمره خود مرتکب خطا می‌شویم، تعجب‌آور نیست که در قضاوت کردن درباره مسائلی که خود علم مستقیم به آنها نداریم، مرتکب اشتباه شویم. اشتباه در فرضی است که با حسن نیت باشیم و جاهل به واقعیت، و گرنه ممکن است آگاهانه به خطا قضاوت کنیم. کنش‌گران پلیسی و قضایی شامل پلیس، دادستان، بازپرس و قاضی در کنار سایر افراد درگیر در فرآیند دادرسی کیفری، مانند شاهد، شاکی، وکیل و کارشناس، ممکن است گاهی آگاهانه یا ناآگاهانه در تصمیم‌گیری‌هایشان مرتکب خطا شوند. در ذات خطا، ضرر نهفته است؛ در برخی پرونده‌ها به ضرر متهم و در برخی دیگر به ضرر بزه‌دیده یا شاکی. نقض تصمیمات آنها در مراجع صلاحیت‌دار قانونی دلیل متقنی است بر این ادعا. به‌رغم وجود این واقعیت، با تأکید بر اصول و فروض مبنایی مانند بی‌گناه مفروض شدن متهم، احتیاط در دماء، درآ به شبهه، تفسیر شک به نفع متهم^۱ در فرآیند دادرسی کیفری، گویی صیانت از محکوم نشدن بی‌گناهان حتی به قیمت فرار کردن بزهکاران واقعی از چنگ عدالت به عنوان آموزه غالب حقوق کیفری برگزیده شده است.^۲

خطا در رسیدگی به جرایم مواد مخدر از مرحله کشف جرم و شناسایی متهمان تا رسیدگی و صدور حکم وضعیتی متفاوت‌تر و آسیب‌پذیرتر از جرایم دیگر دارد. از یک‌سو، اغلب به علت اینکه متهم همراه با مواد شناسایی و دستگیر می‌شود، اثبات بی‌گناهی بسیار دشوار است؛ ماهیت این جرایم به‌گونه‌ای است که دلیل اثباتی معمول و غالب، یافت شدن مواد در تصرف فرد است. در این جرایم ادله‌ای مانند سند، نظریه کارشناسی و DNA به ندرت و شاید هرگز موضوعیتی برای استناد پیدا نمی‌کنند. این مسأله احتمال وقوع اشتباه را بسیار زیاد می‌کند. از سوی دیگر، برای ارتکاب این جرایم کیفرهای شدیدی مانند اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت پیش‌بینی شده است. آیا ممکن نیست در فرآیند رسیدگی به این جرایم برخی بی‌گناه به خطا متهم، بازداشت و محکوم

۱. اصل برائت در اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری تأکید شده است. علاوه بر قواعد فقهی مستحکمی، مانند احتیاط در دماء، در مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی قاعده درآ به شبهه تصریح شده است.

۲. در حدیثی منتسب به امام علی (ع) آمده است که «اگر صد گناهکار از کیفر بگریزند بهتر از آن است که یک بی‌گناه کیفر داده شود». در ادبیات علمی محکومیت بی‌گناهان نسبت معروف به نسبت یا فرمول بلک‌استون حقوقدان انگلیسی (Blackstone's Ratio) در این باره بسیار معروف است: «رهایی ده مجرم بهتر از محکومیت یک بی‌گناه است». در این باره بنگرید به:

Sorochan, Donald, "Wrongful Convictions: Preventing Miscarriage of Justice, Some Case Studies", *Texas Tech Law Review*, vol. 41, 2008.

شوند؟ نقض آراء در مراحل تجدیدنظر عادی یا از طریق اعاده دادرسی یقیناً ما را قانع می‌کند به این پرسش پاسخ مثبت دهیم. ممکن است هیچ‌گاه محکوم بی‌گناهی که به‌خاطر ارتکاب جرایم مواد مخدر محکوم شده است، فرصت یا امکانی برای اثبات بی‌گناهی خود نیابد. آنگاه مشروعیت اعدام برای جرمی که انتخاب مجازاتش بر عهده جامعه و حاکمیت، و نه شرع بوده، بسیار تأمل‌برانگیز می‌شود.

گرچه جرم‌انگاری مواد مخدر در ایران در مقایسه با سایر جرایم سنتی سابقه طولانی نداشته است، تعیین کیفرهای شدیدی مانند اعدام به پیش از وقوع انقلاب بر می‌گردد.^۱ دولت پس از انقلاب اسلامی سیاست جدی‌تری در مقابله با این دسته از جرایم اتخاذ و در نخستین گام شورای موقت انقلاب قانونی تصویب کرد که به موجب آن کشت خشخاش به طور کامل ممنوع و رفتارهای دیگری که در قوانین پیش از آن جرم نبودند، جرم‌انگاری و مرتکبان با کیفرهای شدیدی مواجه شدند.^۲ در حالی که در هر دو قانون پیش‌گفته از کلمه «تشدید» استفاده شده که خود نشانگر سیاست افتراقی سخت‌گیرانه‌تر نسبت به جرایم مواد مخدر بود، در سال ۱۳۶۷ و این بار نهاد خاص‌تری به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام در این باره قانون وضع کرد: قانون مبارزه با مواد مخدر که در آن به جای کلمه «تشدید»، از کلمه «مبارزه» استفاده شده بود. اینکه چرا با وجود مجلس قانون‌گذاری، نهاد عالی دیگر به امر تقنین کیفری اقدام کرد مسأله دیگری است، اما گویای این مطلب است که مواد مخدر، دغدغه‌ای بسیار مهم در ایران محسوب می‌شود که نهاد فوق‌العاده‌ای را که برای تشخیص مصلحت نظام تأسیس شده است، به خود مشغول داشته و این نهاد، قانونگذاری کیفری در حوزه مواد مخدر را مصلحت نظام دانسته است. این قانون که سیاست سخت‌گیرانه‌تری را با هدف ارباب و بازدارندگی دنبال می‌کرد، همواره با نقدها و چالش‌های مهمی مواجه بوده است. از یک‌سو، در سطح داخلی برخی حقوق‌دانان سیاست سرکوب و سزادهنده را در کاهش جرایم مواد مخدر اثربخش ندانسته و از نظر حقوقی نیز تعیین کیفر بدنی اعدام را برای جرم تعزیری ناموجه محسوب می‌کردند. این گروه از حقوق‌دانان و جرم‌شناسان خواستار این بودند که با توجه به نرخ بالای جرم در این حوزه، لازم است قانون بازنگری شود. از

۱. به موجب ماده واحده قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرایم مندرج در قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرایم مندرج در قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبین جرایم مذکور مصوب ۱۳۴۸ برای اولین بار برای برخی جرایم مواد مخدر کیفر اعدام تعیین شد.

۲. لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین مصوب ۱۳۵۹. بنگرید به: رحمدل، منصور، تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۵، صص. ۱۶۵-۱۴۹.

سوی دیگر، از نظر سیاسی و در سطح بین‌المللی، دولت جمهوری اسلامی برای اجرای کیفر اعدام، ناقض حقوق بشر اعلام و سرزنش می‌شد.

قانون مبارزه با جرایم مواد مخدر چند مرحله در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ بازبینی و در نهایت ۲۰ سال بعد، در سال ۱۳۹۶ با گذر از چالش‌های زیاد، در اصلاحیه‌ای، ماده مهمی در تعدیل کیفرهای شدید اعدام و حبس ابد به آن ملحق شد. در این مقرره برخی جرایم مواد مخدر، صرفاً چنانچه با شرایط مشدده‌ای مانند استفاده از سلاح، استفاده از کودکان و نوجوانان، سابقه کیفری و حجم زیاد مواد همراه باشند، مشمول اعدام می‌شوند؛ در غیر این صورت مجازات‌های خفیف‌تر دیگری تعیین می‌شوند. این تغییر سیاست در کاهش موارد کیفر اعدام بسیار قابل توجه است، ولی نقطه تاریک این اصلاحیه قانونی، تبدیل جرایم مواد مخدر از تعزیری به حدی است؛ زیرا به موجب این اصلاحیه برای توجیه و مشروعیت‌بخشی به کیفر اعدام، برخی جرایم مواد مخدر مصداق جرم حدی «مفسد فی الارض» و مستحق کیفر اعدام دانسته شده‌اند.^۱ به‌رغم اینکه این قانون در محدود کردن محکومیت‌های اعدام گام بزرگی برداشته است، ولی اگر تاکنون رویکرد انتقادی به سیاست‌های کیفری و نیز کیفرگذاری و کیفردهی به جرایم مواد مخدر با استناد به ماهیت تعزیری این جرایم، لغو کیفر اعدام را ممکن‌تر می‌دانست، با حدانگاری این جرم، وضعیت از نظر حقوقی دشوارتر از پیش شده است.

در این مقاله ضمن تحلیل عوامل اصلی خطاهای منجر به بازداشت و محکومیت افراد بی‌گناه در جرایم مواد مخدر، مشروعیت کیفرهای شدید و جبران‌ناپذیری مانند اعدام، نه از رویکرد عدم اثربخشی و بازدارندگی‌شان و نه از نظر مخالفت آن با اسناد بین‌المللی در لغو کیفر اعدام، بلکه از منظر آسیب‌پذیر بودن این جرایم در برابر خطاهای پلیسی و قضایی در شناسایی مرتکبان، اثبات جرم و محکومیت افراد بی‌گناه که نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی بر حمایت از فرض بی‌گناهی تأکید دارد، نقد و بررسی می‌شود. در این مقاله منظور از بی‌عدالتی کیفری^۲ دو مصداق مهم آن یعنی بازداشت و محکومیت بی‌گناهان است. فرضیه این است که دلیل اثباتی اصلی و غالب

۱. برای مطالعه مبانی فقهی کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر بنگرید به: حبیبی‌تبار، جواد؛ حبیبی، ضامن علی، مبانی فقهی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، کاوشی نو در فقه، سال بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۳، صص. ۷۸-۱۰۲.

2. Miscarriages of justice

به نظر می‌رسد که بی‌عدالتی کیفری یا خطاهای قضایی معادل مناسب‌تری برای این عبارت هستند و خطاهای زیادی را اعم فرآیندی و برآیندی شامل می‌شود. در این باره بنگرید به: غلاملو، جمشید؛ فرجیها، محمد، «محکومیت بی‌گناهان: از خطای قضایی تا بی‌گناهی واقعی»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۳، صص. ۸۶-۶۳.

جرایم مواد مخدر، یافت‌شدن مواد در تصرف فرد است که این مسأله وقوع خطای بازداشت و محکومیت بی‌گناهان را بسیار محتمل می‌کند. در این مقاله با انتخاب روش کیفی و استفاده از روش نمونه‌پژوهشی، ۲۹ نمونه مطالعه شد که داده‌ها با ابزارهای تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک (دادنامه و پرونده‌های قضایی)، مشاهده و مصاحبه گردآوری شدند. از بین نمونه‌ها، ۲۰ رأی دادگاه‌های انقلاب صادره در بازه زمانی سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷ از نظر ادله اثباتی جرایم مواد مخدر با حضور در دادگاه انقلاب اسلامی تهران (شعبات اجرای احکام) مطالعه شدند که با تکراری شدن داده‌ها، پژوهشگر را به نقطه اشباع از نظر نوع ادله اثباتی در جرایم مواد مخدر رساند.

۱. سیاست سخت‌گیرانه و ماهیت ادله اثباتی

سیاست مقابله با جرایم مواد مخدر، افتراقی بوده است؛ اما باید وصف دیگری را نیز به آن افزود: افتراقی سخت‌گیرانه. از تعیین کیفر اعدام در این دسته از جرایم ماهیتاً تعزیری تا تعیین همین کیفر شدید برای حمل و نگهداری ۳۰ گرم هروئین (در اصلاحیه سال ۱۳۹۶ به ۲ کیلوگرم افزایش پیدا کرد) تا غیر قابل تجدیدنظر بودن بخش عمده‌ای از احکام محکومیت تا رسیدگی به این جرایم در دادگاه انقلاب، جملگی این ادعا را تأیید می‌کند.^۱ همین وضعیت خاص در تشکیل ستادی به نام ستاد مبارزه با مواد مخدر در سطح عالی و به ریاست رئیس‌جمهور نگرانی ویژه‌ای را منعکس می‌کند. این تدابیر خاص عمدتاً، اگر نگوئیم کاملاً، منتج به سخت‌گیری نسبت به متهمان و مرتکبان این جرایم شده است. یکی از عواقب سیاست‌های سخت‌گیرانه، نقض حقوق اساسی و قانونی افراد است؛^۲ حقوقی که از ابتدای اقدامات پلیس در کشف و شناسایی متهم و حفظ آثار و ادوات جرم تا دادرسی و محکومیت در قوانین پیش‌بینی شده است. اغلب، محصول نقض این حقوق، متهم یا محکوم شدن بی‌گناهان است.^۳

۱. برای مطالعه درباره آیین دادرسی افتراقی جرایم مواد مخدر بنگرید به: «آیین دادرسی کیفری افتراقی در قبال جرایم مواد مخدر» در: علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸، صص. ۲۶۱-۲۴۲.

۲. افزایش ارتکاب جرم، جایجایی جرم، به خطر افتادن سلامت اجتماعی و بهداشتی مصرف‌کنندگان از جمله عواقب دیگر سیاست‌های سخت‌گیرانه در مقابله با جرایم مواد مخدر است. در این باره بنگرید به: فرجیها، محمد؛ صادقی، آزاده، «پیامدهای ناخواسته برنامه‌های پلیسی کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص. ۱۳۸-۱۱۵.

۳. برای تأیید این ادعا که بازداشت و محکومیت بی‌گناهان از پیامدهای ناخواسته سیاست‌های سخت‌گیرانه کنترل جرم با تمرکز بر شناسایی، دستگیری، محاکمه و مجازات مجرمان است، بنگرید به:

Huff, C.R.; Rattner, A.; Sagarin, E., *Convicted but Innocent: Wrongful Conviction and Public Policy*, London, Sage Publications, 1996; Ramsey, Robert, *False*

این سیاست‌ها و تشکیلات اختصاصی برای «مبارزه» با جرایم مواد مخدر مستلزم به‌کارگیری نیروی انسانی و صرف هزینه‌های زیاد برای نظام عدالت کیفری و دولت بوده و بی‌تردید از نظر سازمانی توقع مابه‌ازا دارد؛ شناسایی، دستگیری و محکومیت هرچه بیشتر و هرچه زودتر مرتکبان به امید کاهش این جرایم و ارائه بیان کاری به دولت و جامعه. صرف نظر از اثربخش بودن یا نبودن این تدابیر که خارج از مسأله این مقاله است،^۱ از آسیب‌های پنهان این رویکردها، افزایش ارتکاب خطاهای قضایی است. برخی مطالعات با تأیید این مطلب نشان می‌دهند که محکومیت‌های نادرست در دو جبهه جنگ‌های ملی علیه جرم و جرایم مواد مخدر، بیش از سایر جرایم واقع می‌شود.^۲ آری، گاهی طرح‌ها و سیاست‌هایی مانند جنگ یا مبارزه با مواد مخدر به‌رغم قابل درک بودن رسالتشان در حمایت از منافع عمومی و شهروندان، افرادی بی‌گناه را حتی اگر تعدادشان خیلی کم باشد، قربانی کرده و به تعبیری تر و خشک را با هم می‌سوزانند. رونالد هاف و همکارانش می‌نویسند: «جای تعجب نیست که ابعادی از نظام عدالت کیفری ما که بر اهداف کنترل جرم تأکید دارند، ممکن است نه تنها به کنترل جرم کمک نکنند، بلکه با ارتکاب خطا در محکومیت افراد بی‌گناه نیز همراه باشند».^۳ شاید با تأثیر از همین دیدگاه مبارزه با جرایم مواد مخدر باشد که برخی پژوهشگران دانشگاه‌های پلیس بر این باورند که چنانچه مأمور پلیسی با نقض ضوابط قانونی و شکلی، جرایم مواد مخدر را کشف و با ضبط مواد دلیل اثباتی تحصیل کند، اقداماتش به‌رغم تخلف، معتبر است.^۴

البته، در برخی کشورها، از جمله ایالات متحده، گاهی ارتکاب چنین رفتارهایی از پلیس نه برای دفاع از جامعه، بلکه برای منافع شخصی است؛ زیرا جرایم مواد مخدر

- Positives in the Criminal Justice Process- An Analysis of Associated with Wrongful Conviction of Innocent, University of Cincinnati, 2003.

فرجیها، محمد؛ مقدسی‌پور، محمدباقر، «جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری مواد مخدر»، تحقیقات حقوقی، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۹۳، صص. ۴۸-۲۵.

۱. حتی اگر فرض کنیم که این سیاست‌ها اثربخش بوده و موجب کاهش ارتکاب جرایم مواد مخدر شده باشند، نافی افزایش خطاهای قضایی به ضرر متهمان نیستند.

2. Laqueur, Hannah; Rushin, Stephen; Simon, Jonathan, Wrongful, Policing, and the "War on Crime," Examining Wrongful Convictions: Stepping Back and Moving Forward, 2014.

3. Huff, C.R.; Rattner, A., Sagarin, E., "Guilty Until Proven Innocent: Wrongful Conviction and Public Policy", Crime and Delinquency, vol. 32, 1986, p.535.

۴. این پژوهشگر دانشگاه علوم انتظامی می‌گوید: «... در این مورد باید با جرم مربوط به مواد کشف شده به مثابه جرم مشهود برخورد نماید ولی این اختیار مانع برخورد با نامبرده به دلیل نقض حریم خصوصی و عمل غیر قانونی نامبرده نخواهد بود». عباسلو، بختیار، «بررسی الزامات قانونی پلیس در امر مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان با تأکید بر پلیس زن»، پلیس زن، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص. ۱۴۸-۱۲۹، ص. ۱۳۹.

اغلب با مبالغ هنگفتی پول در ارتباطاند و مأموران پلیس خود در این موارد به دنبال سود بردن هستند. بنابراین، آنها برای ضبط و توقیف اموال و پول، تخلفات زیادی مرتکب می‌شوند تا متهمان را دستگیر کنند.^۱

زمانی که ماهیت ادله اثباتی جرایم مواد مخدر در کنار این سیاست سخت‌گیرانه - صرف‌نظر از قضاوت درباره درستی یا نادرستی و اثربخشی یا عدم اثربخشی آن - قرار می‌گیرد، احتمال خطا زیادتر و نگران‌کننده می‌شود. جرایم مواد مخدر، تعزیری بوده و ادله اقرار، شهادت، قسامه، سوگند و علم قاضی می‌توانند دلیل اثباتی آن باشند. به‌رغم عدم تصریح قانون مجازات اسلامی به ادله پرکاربردی چون سند، نظریه کارشناسی و ادله‌های آزمایش‌محوری مانند DNA، این موارد نیز در قالب دلایلی مانند اقرار، شهادت یا علم قاضی ثابت‌کننده جرایم هستند. در جرایم مواد مخدر به علت ماهیت و شیوه ارتکاب جرم، به ندرت ادله‌ای که در سایر جرایم پر استناد هستند، دلیل اثباتی قرار می‌گیرند. داده‌های حاصل از مطالعه میدانی نشان داد که یافت شدن مواد در تصرف فرد، اقرار متهم و علم قاضی ادله اثباتی غالب این جرایم هستند. در مطالعه ۲۰ دادنامه محکومیت مواد مخدر در بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷ صادره از شعبات دادگاه انقلاب تهران، این فرضیه ثابت شد. در همه این دادنامه‌ها دادگاه با استناد به گزارش پلیس، صورت‌جلسه کشف مواد و برگ توزین و تقریباً با ادبیات یکسانی حکم بر محکومیت متهم صادر کرده و در مواردی که متهم اقرار داشت، به اقرار نیز استناد شده بود. در پرونده موضوع حمل و نگهداری هروئین، نمونه شماره یک، در رأی محکومیت دادگاه آمده است: «بزه انتسابی به آقای ... با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود از قبیل گزارش مأمورین، نحوه دستگیری و کشف مواد، برگ توزین و تحویل مواد به انبار و اظهارات متهم ...». گاهی دادگاه بدون تصریح ادله، نمونه شماره دو، به این روش و با بیان عبارت کلی به ادله مندرج در کیفرخواست استناد می‌کند: «... با توجه به دلایل مندرج در کیفرخواست و سایر قرائن و شواهد ...». در کیفرخواست‌های صادره نیز ادله ثابت و ادبیات یکسانی ملاحظه شد. مثلاً در نمونه شماره سه این ادله ذکر شده بود: «۱- گزارش مورد وثوق مأمورین کاشف ۲- صورت‌جلسه کشف مواد ۳- ملاحظه اعلامیه توزین مواد مکشوفه ۴- اقرار صریح و مقرون به واقع متهم نسبت به اتهامات انتسابی ۵- سایر قرائن و امارات منعکس در پرونده». در هیچ‌یک از این پرونده‌ها اتهام انتسابی با استناد به دلیل شهادت، سند،

1. Laqueur, Hannah; Rushin, Stephen; Simon, Jonathan, Op. cit.

۲. با توجه به مشابهت کامل متن ادله استنادی در کیفرخواست‌ها و دادنامه‌ها، از تکرار متن نمونه‌ها خودداری می‌شود. بنابراین، نمونه‌هایی که در ادامه بیان می‌شوند، علاوه بر ۲۰ نمونه آرای است که در اینجا به مفاد آنها اشاره و به متن سه نمونه از این ۲۰ نمونه تصریح شد.

نظریه‌های کارشناسی، نظریه پزشکی قانونی و مانند اینها ثابت نشد؛ ادله‌ای که در بیشتر آرای کیفری برای اثبات جرم یا حتی بی‌گناهی مورد استناد قرار می‌گیرند. در واقع، همان‌طور که در جرایم مواد مخدر تکیه ادله اثباتی بر اماره یافت‌شدن مواد در تصرف فرد و اقرار است، به ادله استنادی متهم برای خنثی‌سازی این اماره و اثبات بی‌گناهی کم‌توجهی می‌شود.

در اغلب آراء محکومیت جرایم مواد مخدر، علاوه بر استناد به یافت‌شدن مواد، به اقرار متهم و یا علم قاضی استناد می‌شود. در برخی از این احکام متهم در دادگاه نیز اقرار کرده و در برخی دیگر، از اقرار مرحله تحقیقات مقدماتی و نزد پلیس، نکول و در دادگاه با انکار اتهام اقرار مستند در کیفرخواست را ناشی از عنف در بازجویی‌ها اعلام می‌کند. ممکن است اغلب این ادعاها نادرست باشند و یا حتی بر فرض استفاده از عنف و شکنجه، متهم واقعاً مجرم باشد، ولی انکار عدم وجود تحصیل اقرار ناشی از اجبارهای روانی و فیزیکی دور از واقعیت است.^۱ شاید به همین علت است که تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان یک حکم الزام‌آور قانونی تکلیف کرده است که چنانچه اقرار مستند حکم محکومیت باشد، الزاماً باید نزد قاضی دادگاه بیان شود. بنابراین، دادگاه از نظر قانونی نمی‌تواند با استناد به اقرار متهم در دادسرا حکم محکومیت صادر کند، ولی در رویه قضایی برخی قضات اقرار متهم در دادسرا را منشاء علم خود دانسته و با استناد به علم قاضی موضوع ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی جرم را ثابت و متهم را محکوم می‌کنند. در پرونده موضوع حمل ماده مخدر تریاک، نمونه شماره چهار، قاضی دادگاه به‌رغم نکول متهم از اقرار مرحله تحقیقات مقدماتی و استناد وکیل تسخیری متهم به عدم اعتبار اقرار نزد پلیس و بازپرس، با توجه به گزارش پلیس و کشف مواد، اتهام انتسابی را با استناد به علم قاضی ثابت تشخیص و حکم بر محکومیت صادر کرد.

البته ایراد چندانی در عدم استناد به سایر ادله به پلیس و بازپرس و قاضی وارد نیست؛ زیرا ماهیت جرایم مواد مخدر به گونه‌ای است که ادله پیش‌گفته در اغلب موارد موضوعیتی برای استناد پیدا نمی‌کنند. پلیس و بازپرس و قاضی باید آگاهی داشته باشند که با توجه به ماهیت ادله اثباتی جرایم مواد مخدر، به آسیب‌پذیر بودن افراد بی‌گناه در این پرونده‌ها توجه کرده و فارغ از پیش‌فرض‌های ذهنی و تجاربی که دارند با اتخاذ بیشترین دقت در تصمیم‌گیری، از فرض بی‌گناهی بیشتر مراقبت کنند؛ ممکن

۱. برخی پژوهش‌ها این واقعیت را تأیید می‌کنند. برای نمونه بنگرید به: غلاملو، جمشید، تحلیل حقوقی - جرم‌شناختی محکومیت بی‌گناهان در ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، آذر ماه ۱۳۹۴.

است از هر ده یا بیست یا سی پرونده‌ای که متهم یا متهمانش منکر اتهام و حمل مواد یافت شده هستند، یک نفر از آنها واقعا بی‌گناه بوده و موادی که در تصرفش (خودرو، ساک، جیب، کیف و ...) یافت شده است، مال او نبوده و او نیز از حملش بی‌خبر باشد.

۲. اتهام‌انگاری نادرست

به‌رغم اینکه در قانون تعزیرات ماده عامی برای جرم‌انگاری افترای عملی یا انتساب غرض ورزانه اتهام واهی به شخصی پیش‌بینی شده، در قانون مبارزه با مواد مخدر این رفتار به طور جداگانه و با مجازاتی متفاوت جرم‌انگاری شده است. در حالی که ارتکاب افترای عملی در سایر جرایم مجازات مشخصی دارد، اما چنانچه این جرم با جاسازی مواد مخدر و آلات و ادوات استعمال آن ارتکاب یابد، مرتکب به حداکثر کیفر مقرر برای همان جرم واهی محکوم می‌شود.^۱ به نظر می‌رسد مجازات ارتکاب افترای عملی با مواد مخدر و ادوات استعمال آن شدیدتر است؛ زیرا بر خلاف جرم افترای عملی عام که نوع و میزان کیفرش معین بوده و حداکثر سه سال حبس یا ۷۴ ضربه شلاق است، کیفر این جرم در مواد مخدر کاملاً نسبی بوده که با توجه به کیفی‌گذاری‌های بسیار شدیدتر برای جرایم مواد مخدر، ممکن است مرتکب به حبس‌های طولانی مدت و حتی اعدام محکوم شود.

اتهام‌انگاری نادرست زمانی واقع می‌شود که اساساً هیچ رفتار مجرمانه‌ای واقع نشده است و اتهام واهی به فردی نسبت داده می‌شود.^۲ به عبارت دیگر، در این خطا، از نظر ماهوی هیچ رفتار مجرمانه‌ای ارتکاب نیافته و فرد به ارتکاب جرمی که هیچ‌گاه واقع نشده است، متهم می‌شود. مهم‌ترین جلوه این خطا، متهم کردن فرد به ارتکاب جرمی است که موضوع آن به طور کلی منتفی بوده است. برای نمونه، در حالی فرد الف به ارتکاب قتل عمد فرد ب متهم می‌شود که قربانی زنده بوده است.^۳ گاهی ارتکاب رفتاری به عنوان اتهام به فردی منتسب می‌شود که آن رفتار به طور کاملاً واضح در قانون جرم نیست. با وجود این، فرد به خاطر ارتکاب آن تحت تعقیب قرار می‌گیرد. این موارد نیز اتهام‌انگاری نادرست است. برای نمونه، در تعقیب کیفری الف به اتهام شروع

۱. مطابق با ماده ۶۹۹ قانون تعزیرات مجازات افترای عملی حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق است. ماده ۲۶ قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر می‌دارد: «هرکس به قصد متهم کردن دیگری مواد مخدر و آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد».

2. See: Rattner, A., When Justice Goes Wrong: Convicting the Innocent, Unpublished Doctoral Dissertation, Ohio State University, 1983.

۳. بند الف ماده ۴۷۴ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ دقیقاً این مورد را پیش‌بینی کرده و آن را از جهات اعاده دادرسی و صدور حکم بر بی‌گناهی محکوم دانسته است.

به ارتکاب جرم مواد مخدری که شروعش جرم نیست، خطا در خود طرح اتهام واهی نهفته است.

اتهام‌انگاری نادرست، اغلب آگاهانه و ناشی از غرض‌ورزی است.^۱ با توجه به اینکه دادستان مسئول اصلی تعقیب کیفری است، ارتکاب این خطا عمدتاً از جانب اوست. به‌رغم قابل تصور بودن این فرض که دادستان و پلیس با غرض‌ورزی مرتکب این خطا می‌شوند، در جرایم مواد مخدر عامل اصلی ارتکاب این خطا، گزارش‌های واهی افراد به پلیس و یا نهادهای ذی‌ربط است. مهم‌ترین جلوه اتهام‌انگاری نادرست در جرایم مواد مخدر جاسازی یا قرار دادن مواد مخدر در خودرو، منزل، محل کار، لباس و ... فرد بی‌گناه است. در واقع، فرد با انجام این کار به انگیزه‌های گوناگون مرتکب افترای عملی می‌شود. چه بسا نوع و میزان مواد به گونه‌ای باشد که فرد بی‌گناه پس از تعقیب، محاکمه و مجرم شناخته شده و به کیفر اعدام یا حبس‌های طولانی محکوم شود. در این موارد به‌رغم اینکه در ظاهر جرم حمل یا نگهداری مواد مخدر واقع شده، در واقعیت به علت صوری بودن، جرمی ارتکاب نیافته و به همین علت از مصادیق اتهام‌انگاری نادرست هستند. البته، انگیزه یا سوءنیت مرتکب در تحقق آنچه منظور از اتهام‌انگاری نادرست یک بی‌گناه است، بی‌تأثیر است؛ یعنی اگرچه برای تحقق جرم افترای عملی وجود انگیزه یا قصد «به قصد متهم کردن دیگری» شرط است، ولی اتهام‌انگاری نادرست اعم از هرگونه قصد و انگیزه‌ای است؛ زیرا متهم در هر صورتی بی‌گناه است، حتی اگر جاسازی‌کننده مواد نیز مجرم نباشد.

همچنین، به نظر می‌رسد در فرضی که (الف) بسته مواد مخدری را به (ب) که در یک شرکت پیک موتوری کار می‌کند و کاملاً بی‌خبر از محتوای آن است می‌سپارد تا آن را به فرد (ج) تحویل دهد و راننده موتور هنگام تحویل بسته، همراه با (ج) که تحت نظر بوده است به اتهام حمل مواد مخدر دستگیر شود، نسبت به او اتهام‌انگاری نادرست واقع شده است، نه متهم‌انگاری نادرست؛^۲ مگر اینکه قائل باشیم فرد (الف) نسبت به رفتار حمل، در حکم مباشر بوده و می‌توان او را به جای (ب) به جرم حمل محکوم کرد که در این صورت، فرد (ب) با متهم‌انگاری نادرست مواجه می‌شود.

یکی از انگیزه‌ها در جرایم مواد مخدر، حذف کردن رقیب یا شریک از قاچاق مواد مخدر است. برای نمونه، گاه فردی برای سود بیشتر و تسخیر بازار یا جلب مشتریان، با قرار دادن مواد به اندازه‌ای که در صورت دستگیری موجب تعیین مجازات اعدام شود،

1. Ramsey, Robert, Op. cit.

۲. در این باره بنگرید به بند بعدی همین مقاله.

به طرق مختلف موجب می‌شود فردی بی‌گناه^۱ تحت تعقیب قرار گیرد. در نمونه شماره پنج مصاحبه‌شونده که سابقه چندین فقره محکومیت به جرایم مواد مخدر را داشت، در تأیید این واقعیت گفت: «در زندان که بودم از برخی زندانیان می‌شنیدم که می‌گفتند واقعا بی‌گناه هستند. می‌گفتند شریکشان برایشان توطئه کرده و مواد در خانه یا ماشینشان گذاشته و بعد به پلیس گزارش داده ...». مصاحبه‌شونده دیگری، نمونه شماره شش، با تجربه مشابهی با اشاره به یکی از انگیزه‌های چنین پرونده‌هایی می‌گوید: «من در زندان از زبان خودش شنیدم که می‌گفت وقتی شریکم ادر خرید و فروش مواد مخدر [سر کلاه گذاشت و سهمم را نداد، تو خونه‌اش مواد جاسازی کردم و گزارش کردم گرفتنش. اون هم بعداً من را لو داد».

یکی دیگر از جلوه‌های جاسازی متقلبانه مواد مخدر برای متهم کردن فردی بی‌گناه، وضعیتی است که برخلاف نمونه‌های پیش‌گفته بین افرادی که هیچ‌گونه مشارکت و مداخله‌ای در جرایم مواد مخدر ندارند، واقع می‌شود. در این موارد، فرد برای رها شدن از متهم و حذف او از زندگی‌اش، آسان‌ترین راه را جاسازی متقلبانه مواد مخدری که مستلزم کیفر اعدام یا حبس است، انتخاب می‌کند. در نمونه شماره هفت بازپرس پرونده در بیان یکی از تجربیاتش درباره افترای عملی زوجه علیه همسرش از طریق جاسازی مواد مخدر به انگیزه محکومیت او به اعدام برای وصال به معشوقش می‌گوید: «مرد به شدت منکر اتهام انتسابی در حمل سی گرم مواد مخدر شیشه بود و اصرار داشت که توطئه است. در بین حرفهایش گفت که با زنش اختلافات جدی دارد و به او مشکوک است. از مخابرات پیامک‌های خط تلفن همراه زوجه را استعلام کردم. در بین پیامک‌ها متوجه شدم که زن با مرد دیگری روابط عاشقانه داشته و با یکدیگر تباری می‌کنند با جاسازی مواد مخدر در ماشین مرد، او را از سر راهشان بردارند. جالب بود که از نوع و میزان موادی که موجب کیفر اعدام می‌شود نیز مطلع بودند». این بازپرس پس از مشاهده متن پیامک‌های رد و بدل شده بین همسر متهم و معشوقش به واهی بودن اتهام انتسابی و بی‌گناهی وی پی برد. اما همه متهمان بی‌گناه چنین وضعیتی ندارند. در این پرونده اگر بازپرس کنجکاوی نمی‌کرد یا دلیل استعلام مخابراتی به علل مختلف فنی در دسترس نمی‌بود و یا تباری به وسیله خط تلفن همراه به صورت پیامک انجام نمی‌گرفت، به احتمال بسیار زیاد متهم بی‌گناه به کیفر اعدام محکوم می‌شد.

۳. متهم‌انگاری نادرست

بر خلاف اتهام‌انگاری نادرست، در متهم‌انگاری نادرست جرمی به صورت واقعی ارتکاب می‌یابد، ولی به جای مرتکب واقعی فرد بی‌گناهی به ارتکاب آن متهم می‌شود.

۱. منظور بی‌گناهی متهم در جرم انتسابی است، وگرنه ممکن است فرد بارها پیش از آن مرتکب جرم خرید و فروش مواد مخدر شده باشد.

به بیانی دیگر، در این نوع خطا یقیناً جرمی واقع شده و مجرمی وجود دارد، اما فرد بی‌گناهی به نادرستی متهم می‌شود. متهم‌انگاری نادرست به مراتب از سایر خطاها مهم‌تر است. نقطه آغاز اغلب محکومیت‌های بی‌گناهان، متهم کردن یک فرد بی‌گناه به ارتکاب جرمی است که مرتکب نشده است.^۱ کافی است فرد بی‌گناهی به عمد یا غیر عمد به ارتکاب جرمی متهم و بازجویی شود؛ در این وضعیت، هر احتمالی ممکن می‌گردد. ممکن است او به دلایل متعدد نتواند ادامه رسیدگی را به سلامت سپری کند. احتمال این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که متهم به وکیل دسترسی نداشته باشد یا وکیلی استخدام نکند و یا دادستان و سایر کنش‌گران تحقیق به حقوق قانونی وی بی‌توجهی کرده یا حتی غیر اخلاقی عمل کنند.

مدیریت تعقیب جرایم و متهمان بر عهده دادستان است. بنابراین، فرض بر این است که دادستان شخص یا اشخاصی را به عنوان مظنون تعیین کرده و تعقیب می‌کند. با این وجود، در عمل، اغلب پلیس است که مشخص می‌کند چه کسی مظنون است. جرایم یا مشهودند یا غیر مشهود. در اکثر جرایم مشهود، پلیس بر اساس مشاهدات خود یا اظهارات شاکی یا شهود فرد یا افرادی را به عنوان متهم معرفی می‌کند. در مورد جرایم غیر مشهود و جرایمی که اساساً فردی به عنوان مظنون شناسایی نشده است نیز در عمل همین رویه وجود دارد. در این وضعیت، دادستان پرونده را جهت انجام تحقیقات بیشتر به پلیس یا بازپرس ارجاع می‌دهد. در جرایم مواد مخدر به دلیل اینکه از جرایم عمومی محض است، اصولاً شاکی خصوصی وجود ندارد تا شکایتی مطرح و متهمی معرفی شود. ضابطان عام و خاص از طریق گشت‌های محسوس و نامحسوس و گزارش‌ها، جرایم و متهمان را کشف و شناسایی می‌کنند. اغلب متهمان حین ارتکاب جرم و یا همراه با مواد مخدر دستگیر می‌شوند. در واقع، همزمان با شناسایی یا دستگیری متهم، مهم‌ترین دلیل اثباتی این جرایم، یعنی وجود مواد مخدر، نیز گردآوری می‌شود. زمانی که مواد مخدر به متهم منتسب می‌شود، عملاً جرم اثبات شده فرض شده و متهم برای اثبات بی‌گناهی‌اش مسیری بسیار دشوار در پیش خواهد داشت.

دادستان در تعیین اینکه چه کسی باید به عنوان متهم تحت تعقیب قرار گیرد، نقش چندانی نداشته و بر اساس نظر پلیس و سایر ضابطان مرتبط، متهم معرفی شده را

۱. پژوهشگران محکومیت بی‌گناهان اصولاً بین اتهام‌انگاری نادرست و متهم‌انگاری نادرست تفاوتی قائل نشده و

حسب مورد هر دو را ذیل یک عنوان بررسی می‌کنند. بنگرید به:

Leo, Richard, "False Confessions: Causes, Consequences, and Implications", *The Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*, vol. 37, 2009.

تعقیب می‌کند. زمانی که پرونده برای انجام تحقیقات مقدماتی به بازپرس یا دادیار ارجاع می‌شود، وی نیز بر همین اساس از متهم معرفی شده، پس از تفهیم اتهام، بازجویی می‌کند. ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ بازپرس را مکلف کرده است تا بدون دلیل کافی بر توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار نکند. با این وصف، بازپرس نیز در تعقیب کیفری متهم نقش مستقیم دارد. بنابراین، در عمل، پلیس، شاکی و بازپرس به مراتب بیشتر از دادستان در تعقیب متهمان و مظنون‌انگاری نقش دارند. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اتهام‌نگاری نادرست در جرایم مواد مخدر، وضعیتی است که فردی بدون آنکه از موضوع مجرمانه‌ای مطلع باشد، وارد مکانی می‌شود که با دستور دادستانی تحت نظارت پلیس یا سایر ضابطان بوده است. فرض کنید خانه‌ای به دلیل خرید و فروش مواد مخدر تحت نظارت بوده و افراد مختلفی به آنجا تردد داشته و پلیس برای غافلگیر کردن خریداران و فروشندگان مترصد ورود به منزل و دستگیری مرتکبان است. در همین حین، صاحبخانه دو نفر مهمانی که هیچ ارتباطی با موارد مخدر ندارند و صرفاً جهت دیدار با بستگان خود به آنجا رفته بودند نیز به همراه سایر افراد به اتهام خرید و فروش مواد مخدر دستگیر می‌شوند. دادستان نیز با متهم ساختن آنها پرونده را به بازپرس ارجاع می‌دهد. در نمونه شماره هشت مشاهده شد که چهار نفر شامل سه زن و یک مرد به اتهام خرید و فروش و نگهداری موارد مخدر و آلات استعمال مواد به وسیله مأمور پلیس و زندان در شعبه بازپرسی بازجویی شدند. مأمور پلیس به بازپرس گزارش داد که حسب گزارش مردمی و با دستور دادستان وارد منزل متهم ردیف اول، یعنی صاحبخانه شدند و متهمان را به همراه وافور و مقداری سوخته دستگیر کردند. با بازجویی بازپرس از متهمان، به جز صاحبخانه که فقط نگهداری وافور و سوخته را قبول داشت، مابقی متهمان اتهام انتسابی را انکار کردند. یکی از متهمان گفت: «من هیچ خبری از ماجرا ندارم، برای دیدن مادر بیمار صاحبخانه که از اقوامم است به همراه همسرم وارد خانه شدم. به محض ورود ما را دستگیر کردند و از دیشب در کلانتری بازداشتیم». متهم دیگر نیز به واهی بودن اتهام تأکید داشت و گفت: «من مهمان بودم، اصلاً اهل مواد نیستم و بدون اینکه کاری انجام دهم مرا دستگیر کردند». دادستان در حالی این افراد را متهم کرد که هیچ دلیلی که اتهام آنها را ثابت کند، وجود نداشت. علاوه بر این، امارات و قرائن نیز مانند رابطه خویشاوندی متهمان با مادر صاحبخانه و بیمار بودن وی و عدم داشتن سوءپیشینه در کنار فرض مستحکم براءت، بی‌گناهی آنها و واهی بودن اتهام را تقویت می‌کرد. البته بازپرس پس از استماع

۱. ماده ۱۶۸ آ.د.ک: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند».

دفاعیات و بررسی مدارک و با احراز نادرست بودن اتهام، در همان جلسه نخست قرار منع تعقیب صادر کرد. در این نمونه، متهمان هیچ رفتاری جز حضور در منزل متهم اصلی را مرتکب نشده بودند، ولی دادستان با طرح اتهام نادرست، آنها را به خرید و فروش و نگهداری مواد مخدر متهم کرد. ممکن بود بازپرس و پس از آن قاضی دادگاه نیز مرتکب خطا می‌شدند و متهمان بی‌گناه به کیفرهای شدیدی از جمله اعدام (در فرضی که با نوع و میزان مواد ملازمه داشته باشد) محکوم می‌شدند.

در نمونه شماره نه، مأموران پلیس مواد مخدر بر اساس آنچه نوشتند «گزارش‌های واصله...»، منزل فرد مظنون را بازرسی و سه نفر را به عنوان مظنون دستگیر می‌کنند. ابتدا دو نفر از آنها اتهام را انکار کرده، ولی در بازجویی دوم، مشارکت در ارتکاب جرم را پذیرفته و بازداشت می‌شوند. در مرحله بازپرسی به جز مظنون اصلی، دو مظنون دیگر از اقرار نکول کرده و خود را بی‌گناه اعلام می‌کنند. گواهی متهم اصلی به آنها کمک کرد: «... خانه پدرم دوطبقه است. من طبقه همکف هستم و پدرم بالا می‌نشیند. برادرم برای سر زدن به پدرم آمده بود و چون ایشان تعمیرکار است، دوستش ... هم آمده بود ایشان را ببرد تا ماشینش را تعمیر کند و مأمورین آمدند و هر سه نفر را دستگیر کردند. این مواد مال خودم بود. به ما گفتند که اگر هر سه نفر گردن بگیرید، تقسیم بر سه نفر می‌شود و هر سه نفر آزاد می‌شوید. ولی حالا می‌بینم بازداشت هستیم. من نمی‌خواهم که اینها به پای من بسوزند، این دو نفر اصلاً مصرف هم ندارند...». دفاعیات دو متهم نیز همین بود. بازپرس با استناد به فقد ادله اثباتی، قرار منع تعقیب صادر کرد. ممکن است در حقیقت بی‌گناه نبودند و چه‌بسا شریک بودند، ولی آنچه مسلم است تنها دلیلی که آنها متهم شدند این بود که در منزل مرتکب حضور داشتند!

جلوه دیگر، وضعیتی است که فردی بدون اطلاع از مقاصد مجرمان، با آنها همراه می‌شود. این همراهی ممکن است موجب انتساب اتهام معاونت یا مشارکت در جرم به وی شود؛ مانند راننده‌ای که بدون علم و عمد، مجرمان را برای انجام رفتارهای مجرمانه جابجا می‌کند. در نمونه شماره ده خودرویی به وسیله پلیس متوقف و در ساک سرنشینیان آن مقدار زیادی هروئین کشف می‌شود. به جز راننده مابقی سرنشینیان اقرار می‌کنند، ولی همه آنها با دستور دادستان بازداشت می‌شوند. بازپرس دفاعیات راننده را مبنی بر عدم اطلاع از وجود مواد مخدر و حمل آن نمی‌پذیرد و پس از صدور قرار مجرمیت، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارجاع می‌شود. وکیل راننده در شرح دفاع از موکلش (راننده) می‌گوید: «واقعاً راننده بی‌گناه بود. شغلش رانندگی بود. اصلاً خبر نداشت مسافران با خودشان مواد دارند. البته آنها را می‌شناخت و در بازجویی اولیه

نیز گفته بود. بیان همین مطلب به ضررش تمام شده بود. خوشبختانه مسافران از همان اول تأکید کردند که مواد مال خودشان است و موکل فقط راننده بوده است. قاضی هم با مشاهده اوضاع و احوال پذیرفت و آنها را به اعدام محکوم کرد و موکل تبرئه شد. در این پرونده خطا زمانی واقع شد که راننده به عنوان مظنون شناسایی و بازجویی شد. دادستان به صرف اعتراض شکات و البته برای حفظ ادله جرم و اموال برده شده، همه عوامل مرتبط از جمله راننده بی‌گناه را مظنون معرفی و تعقیب کرد. همین خطای در مظنون‌انگاری، کافی بود تا فرد وارد فرآیند دادرسی شود. با توجه به حجم کار در دادسرا و البته متعدد بودن متهمان، دفاعیات وی نیز به نتیجه نرسید. بازپرس پس از تفهیم اتهام و صدور قرار بازداشت فقط یک‌بار متهم را احضار کرد و دلیل آن نیز اخذ آخرین دفاع جهت صدور قرار نهایی بود. این‌گونه بود که وی به عنوان مجرم شناخته شد. دادستان نیز که خود به طور مستقیم فرد را مظنون دانسته بود، قرار را تأیید کرد.

البته، گاهی ممکن است پذیرش جرم به وسیله برخی و گواهی بر بی‌گناهی دیگری ناشی از تبانی آنها برای رها شدن از مجازات باشد. برای نمونه، در نمونه شماره یازده مشاهده شد که قاضی در واکنش به این وضعیت بر این باور بود که «این ترفند قاچاقچیان است که برای کمک به یکی از شرکایشان و از دست ندادن بازار و حفظ سودشان، کل مواد را گردن بگیرند». با این وجود، چنین مواردی نباید بر فرض بی‌گناهی خدشه وارد کند. همانند نمونه پیش‌گفته ممکن است واقعاً راننده یا یکی از سرنشینان خودرو یا ساکنین منزل بی‌گناه باشند. آن‌گاه محکوم کردن چنین افرادی به ویژه به کیفرهای جبران‌ناپذیری مانند اعدام با عدالت و قانون سازگاری ندارد.

جلوه دیگر وضعیتی است که در گشت‌های بازرسی بین‌راهی خودروهای اتوبوس‌ها اتفاق می‌افتد.^۱ در این موارد گاهی حمل‌کننده مواد مخدر با اطلاع از امکان بازرسی از ابتدا با ترفندهای مختلف مواد را که معمولاً داخل ساک یا بسته‌ای است از ابتدا یا در حین حرکت اتوبوس در جایی قرار می‌دهد که در تصرف سرنشین دیگری به نظر برسد. ممکن است گاهی با بازرسی غافلگیرانه مواجه شده و به محض متوجه شدن از حضور بازرسان، مواد را به روش‌های مختلف مانند پرت کردن به زیر صندلی دیگری متعلق به سرنشین بی‌گناهی جلوه دهد. در نمونه شماره دوازده، ایستگاه ایست بازرسی شب‌هنگام اتوبوسی که در مسیر برگشت از تهران در حرکت بود را برای بازرسی متوقف می‌کند. در زیر صندلی مرد جوان ۱۹ ساله که خواب بوده، بسته سیاه رنگی حاوی ماده

۱. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با رأی شماره ۱۷۷ به تاریخ ۱۳۸۰/۵/۲۸ و با استناد به قانون آیین دادرسی کیفری، بخشنامه اداره کل امور حقوقی و قوانین ناجا که توقف و بازرسی کلیه خودروها را به صورت کلی تجویز کرده بود، باطل اعلام و بازرسی را به اخذ اجازه و دستور قضایی موردی مشروط کرد.

مخدر شیشه کشف می‌شود. وی با بی‌خبری از وجود این بسته، تعلق آن به خودش را نفی می‌کند، ولی بازرسان وی را به همراه چند نفر از مسافران صندلی‌های اطراف توقیف و بازداشت می‌کنند. مرد جوان که از نظر بینایی نیز با مشکل مواجه بود به اتهام حمل مواد شیشه با وزن تقریبی ۲۰۰ گرم به دادسرا اعزام شد. در بازجویی مقدماتی او ضمن انکار شدید اتهام در پاسخ به این پرسش که در تهران چه می‌کرده است، با ارائه مدارک گفت: «ساکن تهران نیستم اما آنجا نزد استاد معروفی کلاس موسیقی می‌روم. می‌توانید از این استاد بپرسید. با توجه به فاصله حدود پنج ساعت از شهرم تا تهران، صبح روزهایی که کلاس دارم به تهران می‌روم و شب پس از اتمام کلاس با اتوبوس بر می‌گردم. نمی‌دانم چه کسی مواد را زیر صندلی من انداخته است. من خواب بودم و چشمم نیز از نظر بینایی کمی مشکل دارد. تازه جراحی کرده‌ام». همچنین، وی تأکید می‌کند که هیچ محموله‌ای جز سازش را همراه خود نمی‌برد. ساز نیز داخل کیفش بالای همان صندلی بود که در آن نشسته بود. مشاهده شد که دادستان که خود تحقیقات را انجام می‌داد این دفاعیات را پذیرفت و با تشخیص بی‌گناهی بدون صدور قرار تأمین متهم را آزاد کرد.

۴. توسل به مخابرات و خبرنگاران

شناسایی و دستگیری متهمان همراه با مواد و اعتماد به گزارش ضابطان به وسیله دادستان، بازپرس و قاضی امری متعارف و معقول است. مشکل جایی است که با تعصب بیش از حد به این اماره، به سرعت از هر گونه ادعای خلاف آن عبور شود. چه بسا با ارزیابی ادله گردآوری‌شده و بررسی سایر ادله و مظنونان دیگر، مشخص شود که خطایی ارتکاب یافته و متهم یا برخی از آنها بی‌گناه باشند. در نمونه شماره ده، دیدیم که چگونه مأموران پلیس، دادستان و بازپرس به علت کشف شدن مواد در خودرویی که متهم راننده آن بود با حل دانستن معمای جرم چشم بر هرگونه فرض دیگری از جمله بی‌گناهی راننده بسته بودند. اینکه راننده خودرویی که مسافران را نیز می‌شناسد، اماره مطلق برای باخبر بودن از محتوای چمدان‌های آنها نیست. متهم شغلش رانندگی بود، به راحتی می‌شد با تحقیقات محلی درستی یا نادرستی این ادعا را احراز کرد. علاوه بر این، داشتن رابطه دوستی، آشنایی یا حتی خویشاوندی راننده با سرنشینان اماره‌ای قطعی بر آگاهی از محتوای بار خودرو و هم‌قصد بودن با آنها نیست. تمامی این امارات نباید فرض قانونی، اخلاقی و شرعی براءت و آثارش را خنثی ساخته و یا دست‌کم نباید مانع بررسی تمام احتمالات ممکن و شنیدن دفاعیات مظنون شود.

گاهی دادستان‌ها برای اثبات مجرمیت به ادله‌ای متوسل می‌شوند که چندان قابل وثوق نیستند. به‌ویژه در جرایم مواد مخدر یکی از منابع خبری که پلیس و مقامات قضایی برای شناسایی متهمان و اثبات اتهامات از آن استفاده می‌کنند، مخبران و خبرچینان هستند.^۱ منظور ما از مخبران همه افرادی هستند که با هماهنگی با مقامات پلیسی، قضایی و حتی امنیتی با روش‌های نامحسوس، مجرمان مواد مخدر را ردیابی می‌کنند؛ اعم از نیروهای پلیسی، امنیتی یا افراد عادی؛ گزارش‌های مردمی و شهود، مخبر نیستند.^۲ نقش خبرچینان نیز همین است، ولی این افراد ممکن است هم‌پندان زندانی یا از مجرمان مواد مخدر باشند. در هر صورت، به نظر می‌رسد که گرچه غالباً وثاقت گزارش مخبران بیش از خبرچینان است، هر دو یک نقش را ایفا می‌کنند. گاهی قضات در احکام محکومیت صادره به این منابع با عباراتی مانند «منابع موثق خبری»^۳ به طور غیر مستقیم اشاره می‌کنند.

برخی پژوهشگران در مطالعات خود بر نقش این عامل در محکومیت افراد بی‌گناه تأکید داشته و بر این باورند که مخبران زندانی در ازای دریافت پول و امتیازات مالی، تخفیف در محکومیت و رهایی از بند، به پلیس و قضات اطلاعات می‌دهند.^۴ در چنین مواردی، گاهی خبرچینان به‌رغم اطلاعات نادرستی که می‌دهند، پاداش دریافت می‌کنند. برای نمونه، در کانادا با بررسی‌های صورت‌گرفته در پرونده‌های معروف مورین و سوفانو^۵ مشخص شد که این عامل نقش تعیین‌کننده‌ای در محکومیت متهمان بی‌گناه

۱. در تبصره ۴ ماده ۲۲ آیین‌نامه قانون مبارزه با مواد مخدر به صراحت در حمایت از امنیت مخبران آمده است: «به منظور حفظ امنیت منابع و مخبرین، هویت آنان صرفاً در اختیار قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده قرار خواهد گرفت».

۲. برخی مخبران را با عبارات کمی گنگ به دو نوع تقسیم کرده‌اند: «مأموران ناجا - گزارش‌مأمور و افراد عادی - شاهد». به‌رغم اینکه ایشان توضیح داده‌اند که وجه افتراق مخبران عادی با شاهدان عادی این است که مخبر عادی از پیش برای این کار مأموریت دارد، ولی مخبر محسوب کردن بی‌قید مأموران پلیس ابهام‌برانگیز است. مأمور پلیسی که در راستای انجام وظیفه یا در جرایم مشهود، جرمی را گزارش می‌کند، مخبر نیست. برای مطالعه این نظر بنگرید به: ساکی، محمدرضا، مواد مخدر و روان‌گردان از دیدگاه علوم جنایی و حقوق بین‌الملل. چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۶.

۳. البته منابع موثق خبری، لزوماً مخبران نبوده و ممکن است منابع دیگری باشند.

4. See: Natapof, Alexandra, "Beyond Unreliable: How Snitches Contribute to Wrongful Convictions", Golden Gate University Law Review, vol. 37, 2006.

۵. در پرونده معروف به مورین Guy Faul Morin خطاهای پلیس در مرحله تحقیقات مقدماتی طوری پیش رفت که موجب محکومیت نادرست وی شد و همچنین اشتباهات مرکز علوم پزشکی قانونی در بررسی از مدارک بر آن دامن زد. همین اتفاق درباره پرونده سوفانو Sophonow در سال ۱۹۸۱ افتاد و دادگاه وی را به اشتباه به قتل دختری شانزده ساله به نام باربارا استاپل محکوم کرد. بنگرید به:

Tachino, Tosh, Academic Research and Public Policy: Rhetorical Lessons from the Sophonow Inquiry, A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty for the Degree of Doctor of Philosophy, Iowa State University, 2008.

داشت.^۱ این مسأله اغلب زمانی اتفاق می‌افتد که ادله‌ای که اتهام انتسابی را ثابت کند، وجود ندارد. در نمونه شماره سیزده مشاهده شد که دادستان از متهمی که به اتهام ارتکاب جرم قاچاق مواد مخدر در زندان بود، راجع به یکی از هم‌بندانش در بازداشتگاه پرسید: «او در زندان راجع به اتهامش چه می‌گوید؟». البته، جستجوی دلیل حتی بدین نحو الزاماً به معنای غرض‌ورزی دادستان نیست؛ ولی بی‌تردید گمراه‌کننده است. در نمونه پیش‌گفته، دور از ذهن نیست که فرد مزبور برای جلب رضایت دادستان مطالبی را بر خلاف واقعیت بیان کند؛ آن‌گاه ممکن است که دادستان با مبنا قرار دادن همین اظهارات و مطمئن شدن از مجرمیت متهم، برای اثبات جرم بیشتر تلاش کند. یکی از این اقدامات می‌تواند انجام بازجویی‌های مکرر تا اخذ اقرار از متهم باشد. در واقع، او ناچیزترین امارات موجود علیه متهم را تقویت خواهد کرد.

در مصاحبه‌ای، نمونه شماره چهارده، قاضی دادگاه انقلاب در بیان یکی از تجربیات خود در متهم‌شدن فردی بی‌گناه به حمل مواد مخدری که مستلزم کیفر اعدام بود به نقش غرض‌ورزی و فریب یکی از مخبران جرایم مواد مخدر اشاره کرد. این مخبر ساکن یکی از شهرهای شمالی به زنی که قصد داشت به هر ترتیبی از همسرش جدا شده و با فرد دیگری ازدواج کند، با واسطه دوستی با معشوقه جدید، راهنمایی می‌کند تا شوهرش را برای سفر به شمال راضی کرده و با جاسازی مواد مخدر شیشه در صندلی پشت خودرو با گزارش وی و مواد به نتیجه مدنظر برسند. در نزدیکی مقصد زن به شوهرش اصرار می‌کند که بنزین بزند و وقتی با تعجب وی به دلیل داشتن بنزین مواجه می‌شود، به بهانه استفاده از سرویس بهداشتی پمپ بنزین از خود دور پیاده می‌شود. زن به مخبر خبر داده و مخبر نیز به پلیس گزارش می‌دهد و پلیس با بازرسی ناگهانی خودرو مواد جاسازی را کشف و متهم بی‌خبر از ماجرا را به اتهام حمل مواد مخدر دستگیر می‌کند. دادستان پرونده را به بازپرس ارجاع داده و بازپرس نیز قرار مجرمیت صادر کرده و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارجاع می‌شود. متهم در محاکمه انگشت اتهام به سوی همسرش برده و با ذکر جزئیات، اتهام را توطئه وی اعلام می‌کند. وی با قرار وثیقه آزاد شده و بدون اینکه به همسرش خبر دهد منزل مشترک را تحت‌نظر می‌گیرد. وقتی مرد غریبه‌ای وارد خانه می‌شود، غافلگیرانه به منزل ورود کرده و در حالی که مرد غریبه از بالکن خانه پایین پریده و پایش مصدوم می‌شود، با پلیس تماس گرفته و طرح اتهام رابطه نامشروع هر دو دستگیر می‌شوند و به جرم ارتكابی اقرار می‌کنند. همچنین، مرد غریبه اعتراف می‌کند که حيله جاسازی

1. Kennedy, Jerome, Writing the Wrongs: The Role of Defence Counsel in Wrongful Convictions - A Commentary, 2004.

مواد مخدر و دستگیری متهم با راهنمایی و کمک دوستش که مخبر است، بود. قاضی دادگاه انقلاب با استعلام خط تلفن زن آخرین تماس تلفنی وی را کنترل کرده و فرد مخاطب را که همان مخبر غرض‌ورز بود، احضار کرده و بی‌گناهی متهم محرز می‌شود. در این پرونده اگر متهم موفق به اثبات رابطه نامشروع همسرش با مرد دیگری نمی‌شد تا آنها پرده از تبانی دام‌گستری بردارند و نیز قاضی دادگاه تدقیق نمی‌کرد، متهم بی‌گناه حسب اعتماد پلیس، دادستان و بازپرس به مخبر، فاصله‌ای با صدور کیفر مرگ نداشت.

Archive of SID

نتیجه‌گیری

جرایم مواد مخدر اغلب با استناد به کشف موادی که در تصرف متهم یافت می‌شوند، ثابت می‌گردند. البته، کنترل‌های نامحسوس و تعقیب مظنونان تا کشف مواد و دستگیری آنان حین ارتکاب جرم نیز از جمله اقداماتی است که دادسرا و دادگاه بر اساس گزارش‌ها و گواهی‌های ظابطان به آنها استناد می‌کنند. گاهی متهم پس از دستگیری ارتکاب جرم را پذیرفته و اقرار می‌کند و گاهی انکار. در حالت نخست، بازپرس در مرحله تحقیقات و قاضی در مرحله صدور حکم کار آسانی دارد. در وضعیت دوم، معمولاً متهم ترغیب به اقرار می‌شود. ممکن است به وی وعده داده شود که در صورت اقرار در مجازاتش تخفیف داده می‌شود و اگر مؤثر نیفتاد و متهم بر بی‌گناهی اصرار ورزید، با استناد به اماره یافت‌شدن موضوع جرم در تصرف متهم در قالب دلیل علم قاضی حکم بر محکومیت صادر می‌شود. آری! تا حدی طبیعی است که در جرایم مواد مخدر یافت‌شدن مواد در تصرف کسی، او را با اتهام مواجه کرده و ادله اثباتی جرم را آماده کند. یکی از پیامدهای اتهام‌انگاری نادرست، تحصیل ادله نادرست برای اثبات آن است. طبیعی است زمانی که اتهام واهی باشد، ممکن است دادستان یا سایر کنش‌گران پلیسی و قضایی برای اثبات اتهام خطاهای دیگری را از جمله تحصیل اقرار نادرست مرتکب شوند.

حسب یافته‌های حاصل از داده‌های پژوهش، با توجه به ماهیت اثباتی جرایم مواد مخدر، اماره کشف و یافت شدن مواد مبنای اثباتی اغلب این جرایم است. سند، نظریه پزشکی قانونی، نظریه‌های کارشناسی که دلیل اثباتی بسیاری از جرایم هستند، اصولاً دلیل اثباتی جرایم مواد مخدر قرار نمی‌گیرند. این مسأله بیش از هر جرم دیگری افراد را در برابر اتهامات مربوط به مواد مخدر آسیب‌پذیر می‌کند؛ افراد بی‌گناهی که به علل گوناگون متهم و محکوم می‌شوند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که عوامل اختصاصی و مهمی که موجب بازداشت و محکومیت بی‌گناهان می‌شوند، در مرحله تحقیقات مقدماتی واقع می‌شوند؛ حضور در محلی که تحت کنترل پلیس برای دستگیری مظنونان است، جاسازی مواد به وسیله دیگران، سوار شدن بر خودرویی که حامل مواد است، رانندگی مسافرانی که حامل موادمند از مهم‌ترین جلوه‌هایی است که افراد بی‌گناه را در معرض اتهام یا محکومیت قرار می‌دهند.

در این وضعیت، علاوه بر اینکه نحوه اثبات جرمی مانند جرایم مواد مخدر به‌گونه‌ای است که احتمال متهم کردن فردی چندان سخت نبوده و اثبات بی‌گناهی آسان نیست، به علل گوناگون حساسیت جرایم مواد مخدر باعث شده تا دولت‌ها

سیاست سخت‌گیرانه‌ای با نام «جنگ یا مبارزه با مواد مخدر» در قبال مجرمان اتخاذ کردند. نشانه این سیاست‌ها در ایران، تصویب قانون «مبارزه با مواد مخدر» به وسیله نهادی غیر از مجلس قانون‌گذاری، یعنی مجمع تشخیص مصلحت نظام، در سال ۱۳۷۶ است. این سیاست‌های سخت‌گیرانه و سرکوب‌گرایانه موجب شده است تا برای جنگ و مبارزه موفقیت‌آمیز با این جرایم، اعتنای کمتری به بی‌گناهی افراد شده و خواسته و ناخواسته افرادی بی‌گناه در مظان اتهام قرار گرفته و در مواردی محکوم شوند. این عوامل هشدار می‌دهند که برای حفاظت از اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری درباره جرایم مواد مخدر نگرانی دو‌چندانی وجود دارد. آموزش پلیس و آگاهی‌بخشی کنش‌گران پلیسی و قضایی درباره احتمال بی‌گناه بودن فرد یا افرادی که مواد مخدر در تصرف آنها یافت می‌شود تا حد زیادی می‌تواند پیش‌فرض‌های حرفه‌ای این کنش‌گران را تعدیل کرده و با تحقیقات جنایی بیشتر از وقوع بازداشت و محکومیت بی‌گناهان پیشگیری کند. مهم‌تر از آن، برای پایبندی به این الزام قانونی و اخلاقی و شرعی فرض بی‌گناهی، با توجه به احتمال محکوم شدن افرادی بی‌گناه در این‌دسته از جرایم تعزیری، مشروعیت اعدام و کیفرهای جبران‌ناپذیر با ایراد بسیار مهمی مواجه می‌شود. در واقع، یکی از اصلی‌ترین نتایج وجود آسیب و نقص محکومیت بی‌گناهان در نظام عدالت کیفری، لغو کیفر اعدام است؛ با این تأکید که جرایم مواد مخدر - چه از نظر جرم‌انگاری و چه از نظر کیفرگذاری - با نص و حد شرعی روبرو نیستند و جرایم مربوط به آنها تعزیری است.

منابع

- حبیبی تبار، جواد؛ حبیبی، ضامن علی، مبانی فقهی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، کاوشی نو در فقه، سال بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۳.
- رحمدل، منصور، «آیین دادرسی کیفری افتراقی در قبال جرایم مواد مخدر» در: علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- _____، تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۵.
- _____، حقوق کیفری مواد مخدر، چاپ اول، تهران، انتشارات سها دانش، ۱۳۸۳.
- ساکی، محمدرضا، مواد مخدر و روان‌گردان از دیدگاه علوم جنایی و حقوق بین‌الملل، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- عباسلو، بختیار، «بررسی الزامات قانونی پلیس در امر مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان با تأکید بر پلیس زن»، پلیس زن، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- غلاملو، جمشید، تحلیل حقوقی - جرم‌شناختی محکومیت بی‌گناهان در ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، آذر ماه ۱۳۹۴.
- غلاملو، جمشید؛ فرجیها، محمد، «محکومیت بی‌گناهان: از خطای قضایی تا بی‌گناهی واقعی»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۳.
- فرجیها، محمد؛ صادقی، آزاده، «پیامدهای ناخواسته برنامه‌های پلیسی کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
- فرجیها، محمد؛ مقدسی‌پور، محمدباقر، «جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری مواد مخدر»، تحقیقات حقوقی، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۹۳.
- Crank, J.P.; Caldero, M.A., Police Ethics: The Corruption of Noble Cause, Cincinnati, Anderson Publishing Co, 2000.
- Huff, C.R.; Rattner, A., Sagarin, E., "Guilty Until Proven Innocent: Wrongful Conviction and Public Policy", Crime and Delinquency, vol. 32, 1986.
- _____, Convicted but Innocent: Wrongful Conviction and Public Policy, London, Sage Publications, 1996.
- Kennedy, Jerome, Writing the Wrongs: The Role of Defence Counsel in Wrongful Convictions – A Commentary, 2004.
- Laqueur, Hannah; Rushin, Stephen; Simon, Jonathan, Wrongful, Policing, and the “War on Crime,” Examining Wrongful Convictions: Stepping Back and Moving Forward, 2014.

-
- Leo, Richard, "False Confessions: Causes, Consequences, and Implications", *The Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*, vol. 37, 2009.
 - Natapof, Alexandra, "Beyond Unreliable: How Snitches Contribute to Wrongful Convictions", *Golden Gate University Law Review*, vol. 37, 2006.
 - Ramsey, Robert, *False Positives in the Criminal Justice Process- An Analysis of Associated with Wrongful Conviction of Innocent*, University of Cincinnati, 2003.
 - Rattner, A., *When Justice Goes Wrong: Convicting the Innocent*, Unpublished Doctoral Dissertation, Ohio State University, 1983.
 - Sorochan, Donald, "Wrongful Convictions: Preventing Miscarriage of Justice, Some Case Studies", *Texas Tech Law Review*, vol. 41, 2008.
 - Tachino, Tosh, *Academic Research and Public Policy: Rhetorical Lessons from the Sophonow Inquiry*, A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty for the Degree of Doctor of Philosophy, Iowa State University, 2008.

Archive of SID